

تحلیل فیلم سینمایی «فروشنده» بر اساس مفاهیم روانی اجتماعی The Analysis of "The Salesman" Film based on Psychosocial Concepts

Reza Ghasemi Jobaneh

PhD Candidate of Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

rghasemi.jobaneh@yahoo.com

رضا قاسمی جوبنه

کاندیدای دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Abstract

The film can be analyzed in different aspects as an artwork and it will expand the understanding of the film. Little research has been done in the field of film analysis by psychology researchers in Iran. The aim of this research was to Analysis of "The Salesman" Film based on Psychosocial Concepts. The method of this research is descriptive-analytic and is among qualitative research. "The Salesman" film was selected using Purposeful sampling method. To collect data the film was first viewed several times carefully in different time intervals And Psychosocial concepts were extracted, and then they were analyzed based on scientific approaches and research evidence. Also the extracted concepts were studied by four specialists in Human Sciences and their supplementary comments were applied in this study. The findings showed that the film contained the concepts of boundary, change, promiscuity, rape, forgiveness, temptation, lie, social interest, marital skills, divorce, violence and judgment. Examples of these concepts are described in the film and then they were analyzed and explained.

Keywords: Analysis, The Salesman Film, Psychological, Social.

چکیده

فیلم سینمایی به عنوان یک اثر هنری می تواند از جنبه های مختلف تحلیل شود و موجب گسترش فهم از فیلم شود. در ایران پژوهش های کمی در حوزه تحلیل فیلم های سینمایی توسط پژوهشگران روانشناسی انجام شده است. هدف پژوهش حاضر تحلیل فیلم سینمایی «فروشنده» بر اساس مفاهیم روانی اجتماعی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و در زمره تحقیقات کیفی قرار دارد. به این منظور فیلم «فروشنده» با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شد. روش جمع آوری اطلاعات بدین ترتیب بود که ابتدا فیلم چندین بار با دقت در فواصل زمانی مختلف مورد مشاهده قرار گرفت و مفاهیم روانی اجتماعی موجود در آن استخراج شد، سپس بر اساس رویکردهای علمی و شواهد پژوهشی تحلیل شدند. همچنین مفاهیم استخراج شده توسط چهار متخصص رشته های علوم انسانی مطالعه شدند و نظرات تکمیلی آن ها در پژوهش حاضر اعمال گردید. یافته ها نشان داد که این فیلم شامل مفاهیم مرز، دگرگونی، هرزگی، تجاوز، بخشش، وسوسه، دروغ، علاقه اجتماعی، مهارت زناشویی، طلاق، خشونت و قضاوت است. مصداق های این مفاهیم در فیلم شرح و سپس تحلیل و تبیین شدند.

واژه های کلیدی: تحلیل، فیلم فروشنده، روانی، اجتماعی.

ویرایش نهایی: فروردین ۹۹

پذیرش: دی ۹۸

دریافت: آبان ۹۸

نوع مقاله: تحلیلی

مقدمه

سینما به عنوان یک رسانه مؤثر دیداری-شنیداری و ارتباط جمعی از پرجاذبه ترین ابزار بیان فکری و هنری، از پرمخاطب ترین وسایل سرگرمی، یکی از بزرگ ترین صنایع سودآور و به عنوان زبان مشترک جهانی در نظر گرفته می شود (آذری و تاکی، ۱۳۹۰)؛ که از قابلیت های موجود در هنرهای مختلف (همچون تئاتر و موسیقی) استفاده کرده و به لحاظ هنری، دارای زیبایی شناسی منحصر به خود است (دادگران، زندی و امیری، ۱۳۹۵). علاوه بر آن، به لطف پیشرفت های فناوری، فیلم ها خیلی سریع تر می توانند در دسترس همگان قرار گیرند و بر جمعیت بیشتری اثرگذار باشند (کلس، ۲۰۱۵)، به طوری که سینما به عنوان یک وسیله تحول اجتماعی در نظر گرفته می شود (داس، دوال، محمد، دوآ و سخار، ۲۰۱۷). همچنین سینما می تواند نمایانگر واقعیات زندگی انسان ها نیز باشد (آذری و تاکی، ۱۳۹۰) و مصداق بسیاری از مسائل انسانی همچون مفاهیم روانی اجتماعی را می توان در فیلم های سینمایی یافت. فیلم به عنوان یک اثر

1. Keles

2. Das, Doval, Mohammed, Dua & Sekhar

هنری می‌تواند از جنبه‌های مختلف تحلیل شود و موجب شود که دانش و بینش بیشتری از فیلم حاصل شود، در نتیجه موجب گسترش زوایای مختلف فیلم و فهم و درک بهتر آن شود. همچنین از آنجایی که مصادیق بسیاری از مفاهیم روانی اجتماعی که بعضاً فقط در کتاب‌های دانشگاهی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و بیشتر جنبه انتزاعی و کمتر کاربردی پیدا کرده‌اند، در فیلم‌های سینمایی موجود است، با استخراج این مفاهیم و تحلیل آن‌ها می‌توان درک و فهم روشن‌تر و کاربردی‌تری نیز از این مفاهیم پیدا کرد. از سوی دیگر مرور پیشینه پژوهشی به‌خصوص در ایران نشان می‌دهد که پژوهش‌های کمی در حوزه تحلیل فیلم‌های سینمایی ایرانی یا خارجی توسط پژوهشگران روانشناسی انجام شده است و در این زمینه خلأ جدی وجود دارد. بر همین اساس در پژوهش حاضر یکی از فیلم‌های برتر تاریخ سینمای ایران به لحاظ روانی اجتماعی تحلیل می‌شود. فیلم سینمایی «فروشنده» که توسط اصغر فرهادی نوشته و کارگردانی شده است، برنده بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان آکادمی اسکار در سال ۲۰۱۷ شده است. این فیلم درباره زن و شوهری جوان به نام رعنا (با بازی ترانه علیدوستی) و عماد (با بازی شهاب حسینی) است که مجبور می‌شوند به‌اجبار خانه خود را ترک کنند و به اصرار یکی از دوستانشان به خانه‌ای اسباب‌کشی می‌کنند که پیش‌تر زنی بدنام در آن ساکن بوده است. زندگی در خانه جدید با یک حادثه دردناک شروع می‌شود که به نوعی کل داستان فیلم بر همان اساس ادامه پیدا می‌کند و موجب می‌شود که عماد و رعنا به شیوه‌های مختلف با تجربه‌هایی چالش‌زا مقابله کنند و به تبع آن سلامت روان‌شناختی و کیفیت زندگی زناشویی‌شان تحت تأثیر قرار گیرد؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر استخراج مفاهیم روانی اجتماعی موجود در فیلم و تحلیل آن‌ها است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و در زمره تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. تحقیقات کیفی شامل روش‌های علمی جهت مشاهده و جمع‌آوری داده‌های غیرعددی است (پاتک، جنا و کالرا، ۲۰۱۳). طرح‌های توصیفی برای توصیف وضعیت فعلی پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند به کار می‌رود و یافته‌های این پژوهش‌ها می‌توانند موجب ایجاد فرضیه‌های جدید برای پژوهش‌های آینده شوند (دولاک، ۱۹۹۳). همچنین آنچه در روش تحلیلی اهمیت دارد، فهم عمیق یک پدیده است و هنگامی که پدیده‌ای بر اساس دیدگاهی خاص تحلیل می‌شود، تحلیل نیز رویکردی تطبیقی به خود می‌گیرد و عناصری از پدیده که از نمودهای بالفعل نظریه برخوردار هستند، آشکار می‌شوند (افراسیابی و ممبینی، ۱۳۹۱). به این منظور فیلم «فروشنده» با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. در پژوهش حاضر روش جمع‌آوری اطلاعات بدین ترتیب بود که ابتدا فیلم مورد مشاهده قرار گرفت و مفاهیم روانی اجتماعی موجود در آن استخراج گردید، سپس بر اساس رویکردهای علمی و شواهد پژوهشی تحلیل و تبیین شدند. شایان‌ذکر است که پژوهشگر قبل از اینکه مفاهیم استخراج‌شده را تحلیل کند، چندین بار فیلم را با دقت و تأمل در فواصل زمانی مختلف مورد مشاهده قرار داد و مفاهیم استخراج‌شده توسط چهار متخصص علوم انسانی که دارای تحصیلات دکتری در رشته‌های روانشناسی، مشاوره، جامعه‌شناسی و ادبیات فارسی بودند و در زمینه تحلیل فیلم‌های سینمایی صاحب تجربه بودند، مطالعه شد و نظرات اصلاحی و تکمیلی آن‌ها در تهیه گزارش نهایی پژوهش حاضر اعمال شد.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا مفاهیم استخراج‌شده ذکر می‌شوند، مصداق آن‌ها در فیلم شرح داده و تحلیل مرتبط ارائه می‌شود.

مرز

از نظر سالوادور مینوچین^۱ (۱۹۷۴؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۸۹) هر خانواده به‌عنوان یک نظام پویا دارای زیرمنظومه‌هایی است (مانند زن و شوهری، والدینی، فرزندان) که عملکردی ویژه برای خانواده دارند. در یک خانواده، مرزها خطوط نامرئی هستند که افراد یا زیرمنظومه‌ها را از نظر فیزیکی و روانی از هم جدا می‌کنند و می‌توانند از لحاظ نفوذپذیری به اشکال ناکارآمد (مانند مرزهای گسسته و یا بهم‌تنیده) و

1. Pathak, Jena & Kalra

2. Dulock

3. Salvador Minuchin

4. subsystems

5. boundaries

کارآمد (مانند مرزهای مشخص) درآیند (ناواره، ۱۹۹۸). در صورتی که مرزها مشخص باشند، اعضای هر زیرمنظومه می‌توانند به خوبی نقش‌هایشان را انجام دهند و امکان برقراری تماس با سایر زیرمنظومه‌ها فراهم است؛ اما در صورتی که مرزها گسسته (به دلیل خشک بودن مرزها امکان برقراری تماس بین افراد یا بین زیرمنظومه‌ها نیست) یا بهم تنیده (به دلیل وجود مرزهای باز، بین زیرمنظومه‌ها تمایز وجود ندارد و اعضا بسیار وابسته بار می‌آیند) باشند، عملکرد افراد در زیرمنظومه‌ها با اختلال مواجه می‌شود و در نتیجه خانواده دچار بدعملکردی می‌شود (مینوچین، ۱۹۷۴؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۸۹). مفهوم مرز با مفهوم حریم شخصی مرتبط است، به طوری که افراد مایل هستند به مرزهایشان یا به حریم شخصی شان احترام گذاشته شود. مفهوم مرز را می‌توان به موقعیت‌های مختلف زندگی نیز تعمیم داد، به طوری که یک فرد سالم مرز مشخصی (نه خیلی باز یا خیلی خشک) بین خود و دیگران تعیین می‌کند که دیگران تا چه حد اجازه دارند به لحاظ فیزیکی و روانی به او نزدیک شوند و تماس برقرار کنند.

در فیلم «فروشنده» مطمئناً مهم‌ترین مرزی که شکسته شد، مرز رعنا بود: زمانی که آماده می‌شود به حمام برود، زنگ خانه به صدا درمی‌آید، فکر می‌کند عماد است، در را باز می‌کند، مرد غریبه وارد خانه می‌شود و زمانی که رعنا در حمام هست، وارد حریم رعنا می‌شود. همین که مردی غریبه بدون اجازه، بدن برهنه زنی را نگاه یا لمس کند، می‌تواند به شدت آسیب‌زا باشد. در همین ارتباط در بخشی از فیلم، عماد از رعنا می‌خواهد که به کلاتری بروند و از فرد متجاوز شکایت کنند اما رعنا مخالف است چون دوست ندارد مجدداً آن حادثه دردناک را برای افراد غریبه بازگو کند. در همین قسمت عماد به رعنا می‌گوید: «مگه چیزی شده که نمیتونی بگی؟» رعنا در پاسخ می‌گوید: «نه». در واقع حتی اگر تجاوز فیزیکی هم رخ نداده باشد، همین که یک مرد غریبه وارد حریم شخصی رعنا شده تجاوز محسوب می‌شود. در بخش دیگر فیلم، بچه صنم (بازیگر تئاتر) به عنوان مهمان وارد خانه عماد و رعنا می‌شود و می‌خواهد به دستشویی برود و زمانی که رعنا به بچه کمک می‌کند که لباسش را در بیاورد، او ممانعت می‌کند چون می‌خواهد خودش این کار را انجام دهد، بدون اینکه کسی به وی کمک کند. در اینجا حتی یک فرد خرد سال نیز برای حفظ مرز خود با دیگران تلاش می‌کند و با بیرون کردن رعنا از دستشویی به نوعی مرز سازی می‌کند. علاوه بر آن در فیلم «فروشنده» زنی بدنام وجود دارد ولی برای این فرد نیز مرز و حریم شخصی اهمیت دارد، به طوری که اصرار دارد لوازم شخصی‌اش در اتاق خانه باقی بماند و کسی حق ندارد به آن دست بزند تا خانه جدید اجاره کند (باینکه شاید و سیله گران‌بهایی نیز در اتاق نداشته باشد). در حالی که عماد وارد اتاق می‌شود و تلفن‌ها و نامه‌های زن مستأجر را چک می‌کند. همچنین در این فیلم دانش‌آموز نوجوانی وجود دارد که وقتی عماد در کلاس خواب بود، شروع به گرفتن عکس از وی می‌کند و وقتی عماد بیدار می‌شود، موبایل دانش‌آموز را می‌گیرد و فایل‌های شخصی‌اش را چک می‌کند. در این سکانس نیز دانش‌آموز اصرار دارد که عماد به حریم شخصی وی احترام بگذارد. در بخش دیگری از فیلم زمانی که عماد داخل تاکسی است، زنی که کنار او نشسته از وی می‌خواهد که جمع‌وجور تر بنشیند و بعد از راننده می‌خواهد که نگه دارد تا جای خودش را با فردی که جلوی ماشین نشسته، عوض کند. این سکانس نشان می‌دهد که در مکان‌های عمومی نیز افراد برای حفظ مرز خود با دیگران و غریبه‌ها اصرار دارند. این سکانس همچنین نشانگر بی‌اعتمادی یک زن به مردی دیگر در جامعه است، احتمالاً چون قبلاً مردهای دیگر حریم زن را در موقعیتی مشابه نقض کرده بودند. در واقع نقض حریم شخصی زنان در جامعه موجب احساس بی‌اعتمادی و ناامنی در آن‌ها می‌شود. عماد نیز در بخشی از فیلم به دانش‌آموزی که شاهد ماجرا بوده می‌گوید: «مطمئن باش امین جان حتماً به مردی تو تا کسی قبلاً این رفتار رو با اون خانم کرده که حالا فکر میکنه هر کی بغلش میشینه به قصد و غرضی داره.»

دگرگونی

دگرگونی یا تغییر یکی دیگر از مفاهیم مهم فیلم است. در دقایق ابتدایی فیلم، عماد به عنوان معلمی که در کلاس می‌خندد و روحیه خوبی دارد، به مرور تبدیل به فردی می‌شود که در کلاس می‌خوابد و وقتی بلند می‌شود پرخاشگرانه به دانش‌آموزان جواب می‌دهد. در واقع عماد به صورت تدریجی تغییر می‌کند. در بخش‌هایی از فیلم «فروشنده»، فیلم «گاو» ساخته داریوش مهرجویی به نمایش درمی‌آید که بازیگر اصلی آن فیلم (با بازی زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی) به مرور دگرگون و تبدیل به گاو می‌شود. در بخشی از فیلم نیز دانش‌آموزی در کلاس سؤال می‌کند: «حالا آقا آدم چه جوری واقعاً به گاو میشه؟» عماد پاسخ می‌دهد: «به مرور». عوامل مختلفی (مانند رویدادهای استرس‌آور شدید، شرایط محیطی و تعامل ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت‌ها) موجب می‌شوند که افراد به مرور تغییر کنند.

1. Navarre

2. privacy

رویدادهای استرس‌آور شدید زندگی مانند تجاوز به عنوان یک پدیده تروماتیک می‌توانند بر احساسات، افکار و رفتار افراد تأثیرگذار باشند. در این فیلم به همسر عماد تجاوز می‌شود و این حادثه و عواقب بعدی آن به شدت بر افزایش آشفتگی‌های عماد اثرگذار بود. عماد بعد از این اتفاق دچار آشفتگی می‌شود و وقتی که می‌خواهد سرکار برود، رعنا نمی‌گذارد، عماد هر چیزی که می‌گوید رعنا قبول نمی‌کند: پیش خانواده‌اش برود، دوش بگیرد، خانه یکی از بچه‌ها دوش بگیرد. حتی در صحنه‌ای که عماد فرد متجاوز احتمالی را گیر انداخته، رعنا از عماد می‌خواهد که فرد متجاوز را آزاد کند؛ یعنی حتی رعنا او را در لحظات سخت درک نمی‌کند، تهدید به جدایی می‌کند و در نهایت به نشانه اعتراض ساختمان را ترک می‌کند. عوامل محیطی نیز در تشدید و تداوم این آشفتگی‌ها اثرگذار هستند. مفهومی به نام بن‌بست مضاعف در نظریه‌های خانواده‌درمانی وجود دارد، یعنی وقتی پیام‌های ادراک‌شده متناقض باشد، فرد هر کاری کند بازنده است (مینوچین، ۱۹۷۴؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۸۹). در فیلم «فروشنده» عماد با پیام‌های متناقضی روبرو می‌شود که موجب می‌شود هر کاری که کند بازنده محسوب شود. از یک سو جامعه از عماد انتظار دارد که از خود غیرت نشان دهد و برای پیدا کردن فرد متجاوز پیگیری‌های قانونی را انجام دهد، از سوی دیگر همان جامعه این پیام را به او منتقل می‌کند که پیگیری نکند بهتر است چون فایده‌ای ندارد. به‌طور مثال زمانی که عماد در حال تمیز کردن راه‌پله‌ها بود زن همسایه وارد می‌شود و می‌گوید: «فکر کردم شما می‌خواهد شکایت کنید، مأمور بخواد ببینه.» وقتی که عماد در پاسخ می‌گوید: «حالا چیزی خاصی هم نشده.» زن همسایه با لحنی خاص می‌گوید: «اگر شما اون لحظه بودید می‌دیدید که خانمتون چطور کف محوم افتاده نمی‌گفتید چیز خاصی نشده.» این حرف همسایه موجب شوکی در عماد می‌شود و وقتی می‌خواهد از طریق چک کردن وسایل مستأجر سرنخی کسب کند، رعنا وارد می‌شود و مخالفت می‌کند؛ درحالی که عماد به دلیل حرف همسایه‌ها و قضاوت منفی احتمالی آن‌ها دچار تنش است و می‌خواهد زودتر فرد متجاوز را پیدا کند. از سوی دیگر در پارکینگ مرد همسایه به رعنا می‌گوید: «خانم می‌گفتش که شکایت نمی‌خواید بکنید ازش.» رعنا در پاسخ می‌گوید: «نه.» مرد همسایه می‌گوید: «خوب کاری می‌کنید، فکر می‌کنید مثلاً بگیرنش چه کارش می‌کنند، تازه باید هزار جور توضیح بدید که چرا در رو این باز کردی، دادگاه برو بالا پایین، هزار و یک حرف و حدیث توش هست، آخرش هم هیچی.» این پیام‌های متناقض موجب فشار بر عماد می‌شود و تصمیم می‌گیرد خودش به تنهایی فرد متجاوز را به سزای عملش برساند.

میشل و شودا^۱ (۱۹۹۵) که پایه‌گذار سیستم شخصیت شناختی-عاطفی آدر روانشناسی شخصیت هستند، اعتقاد دارند که رفتار توسط فهم جامع شخص، موقعیت و تعامل بین شخص و موقعیت پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس افراد رفتار نسبتاً ثابتی دارند اما موقعیت تأثیر قدرتمندی بر رفتار شخص دارد و رفتار از موقعیتی به موقعیتی دیگر بی‌ثبات است. در واقع رفتار توسط ویژگی‌های شخصیتی به‌علاوه فرآیندهای شناختی و عاطفی خاص فرد شکل می‌گیرد. این بدین معنی است که عقاید، ارزش‌ها، اهداف، شناخت‌ها و احساسات فرد در شکل دادن رفتار با ویژگی‌های شخصیتی فرد تعامل می‌کنند و همچنین رفتار با توجه به موقعیتی که فرد در آن قرار دارد، شکل می‌گیرد (فیست و فیست، ۲۰۰۲؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۳). بنابراین دگرگونی که در رفتارهای عماد رخ داده است خیلی غیرعادی به نظر نمی‌رسد. وقتی آشفتگی‌های هیجانی، فشارهای اجتماعی و عدم درک شدن‌های پی‌درپی موجب اثرگذاری بر افکار و احساسات فرد می‌شود و وقتی فرد در یک موقعیت تروماتیک قرار می‌گیرد، تعامل این عوامل موجب آسیب‌پذیری و دگرگونی می‌شود و رفتاری از فرد سر می‌زند که شاید قبلاً کمتر بروز می‌داده است (مانند سردرگمی، بلا تکلیفی، پرخاشگری، انتقام‌جویی، دل‌سردی که مکرراً از سوی عماد بعد از حادثه تجاوز بروز پیدا کرد).

هرزگی

هرزگی^۵ با مفاهیم دیگری همچون فساد اخلاقی، ابتذال، عیاشی و افسارگسیختگی مرتبط است. منظور از هرزه فردی است که به دنبال برقراری رابطه جنسی از طریق شیوه‌های نامشروع و نامتعارف با دیگران است (تلچی، ۲۰۰۷). در فیلم فروشنده نیز شخصیت‌هایی حضور دارند که هرکدام به دلایل متفاوتی درگیر هرزگی هستند. البته با توجه به اینکه در فیلم پیشینه زندگی هرکدام از این شخصیت‌ها

1. double-bind

2. Mischel & Shoda

3. cognitive-affective personality system

4. Feist & Feist

5. promiscuity

6. Telechea

پرداخته نشده، خیلی دقیق نمی توان درباره علل صحبت کرد، هر چند می توان برخی دلایل احتمالی بر اساس رویکردهای روان شناختی را مطرح نمود.

بابک فردی است که با آهو (مستأجر بدنام) در ارتباط بوده است. در طول فیلم رفتارهایی از بابک سر می زند که نشان می دهد از پختگی روانی اجتماعی برخوردار نیست. پختگی روانی اجتماعی شامل توانایی خویشنداری^۱ (یا خودکنترلی)، چشم انداز^۲ (توانایی در نظر گرفتن دیدگاه های مختلف و دید و سبب داشتن) و مسئولیت پذیری^۳ است (استینبرگ، کافمن و موناهان، ۲۰۱۵؛ نقل از خطیبی و شیخ الاسلامی، ۲۰۱۶). در حالی که بابک خیلی راحت مخفی کاری می کند، دروغ می گوید و مسئولیت کار اشتباهی که انجام داده را بر عهده نمی گیرد، موجب ایجاد دردسر برای دیگران می شود و زمانی که با انتقاد مواجه می شود، آن را نمی پذیرد. در بخشی از فیلم عماد به بابک می گوید: «مرد حساسی من چی باید بهت بگم، تو نباید یک کلمه بهم بگی که قبلاً توی اون خونه کی زندگی می کرده؟» در ادامه بابک طوری رفتار می کند که انگار مطلع نیست، در حالی که وقتی عماد تلفن های اخیر آهو را چک می کرد، بابک یکی از افرادی بود که با وی تماس گرفته بود. بنابراین بر اساس همین نشانه ها می توان بابک را فردی در نظر گرفت که از سطوح پختگی روانی اجتماعی پایین تری برخوردار است، در نتیجه به جای برقراری یک رابطه امن عاطفی، به دنبال ارضاء نیاز جنسی در یک رابطه نامن و پرخطر (به لحاظ سلامتی) با زنی بدنام است.

پیرمرد که مرتکب تجاوز شده، فرد دیگری است که درگیر هرزگی است و یکی از مشتریان مستأجر بدنام محسوب می شود. پیرمرد دارای همسری دلسوز است و دختری در شرف ازدواج دارد و با توجه به سنی که در آن قرار داشت، هرزگی بعید به نظر می رسد. درباره هرزگی در سنین پیری می توان از رویکرد روان درمانی وجودی^۴ مدد گرفت. روان درمانگران وجودی همچون یالوم^۵ (۱۹۸۰) اعتقاد دارند که یکی از راه های مقابله با اضطراب مرگ درگیر شدن در روابط جنسی است، چون رابطه جنسی بسیار محرک و هیجان انگیز است و می تواند به عنوان مکانیزمی دفاعی در برابر وحشت مرگ و فناپذیری^۶ به کار رود (واتر، ۲۰۱۸). در واقع هر فردی در زندگی باید با برخی مسائل وجودی همچون مرگ و فناپذیری مواجه شود که موجب اضطراب وجودی^۷ در فرد می شود (یالوم، ۱۹۸۰) و یکی از مکانیزم های سازش نیافته برای مقابله با این اضطراب، درگیر شدن در روابط جنسی به صورت هرزگی از طریق رفتارهای مرتبط با اعتیاد جنسی، بیش فعالی جنسی یا بی بندوباری است (واتر، ۲۰۱۸). در این صورت فرد سالمند احساس جوانی می کند و به نوعی با وحشت فناپذیری مقابله می کند، چون رابطه جنسی نشانگر سرزندگی، برانگیختگی و نشاط است. همچنین در تحلیلی دیگر می توان به آراء اریک اریکسون اشاره کرد که در نظریه رشد شخصیت خود بیان می کند مسئله عشق و صمیمیت در دوره جوانی اهمیت ویژه ای پیدا می کند و در صورتی که افراد توانسته باشند در دوره جوانی یک رابطه عاشقانه و صمیمانه همراه با تعهد و پیوند با شریک خود برقرار کنند، در دوره های بعدی زندگی، رابطه زناشویی شان از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود، به طوری که احتمال خیانت، طلاق عاطفی و طلاق قانونی کاهش پیدا می کند (وینبرگر، هافستین و کراس ویتبورن، ۲۰۰۸). بنابراین زمانی که فرد در دوره جوانی نتوانسته به خوبی از عهده این چالش برآید، در دوره های بعدی نیز با مشکلات بیشتری مواجه می شود، همان طور که پیرمرد در فیلم نشان داد حتی با داشتن زنی موجه و دختری که در شرف ازدواج است و اینکه به لحاظ مالی هم در مضیقه است، اما درگیر هرزگی (از طریق رابطه جنسی نامتعارف) می شود. همچنین وجود صلح و نبود تعارض در روابط زناشویی (همچون رابطه زناشویی پیرمرد با همسرش) لزوماً نشانگر رضایت زناشویی نیست؛ ممکن است زوجها عادت کرده باشند که به دلیل اجتناب از هرگونه تعارض و اختلاف، نیازهایشان را به طرف مقابل نگویند و در نتیجه این نیازها درجایی خارج از بافت زناشویی ارضا شود (اسکورتو، ۲۰۱۶؛ ترجمه اصغری و قاسمی جونبه، ۱۳۹۷).

1. temperance

2. perspective

3. responsibility

4. Steinberg, Cauffman & Monahan

5. existential psychotherapy

6. Yalom

7. mortality

8. Watter

9. existential anxiety

1. Weinberger, Hofstein & Kraus & Whitbourne

1. Skurtu

زن مستأجر نیز به عنوان فردی بدنام درگیر هرزگی است. آنچه در فیلم مشخص است آهو زنی مطلقه است و زنان مطلقه در مقایسه با مردان مطلقه در جامعه با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند؛ به خصوص زمانی که حمایت اجتماعی (از سوی خانواده، دوستان و سازمان‌های اجتماعی مرتبط) کم باشد، فرد فاقد مهارت شغلی خاصی باشد و از ویژگی‌هایی همچون تاب‌آوری، سرسختی، عزت نفس و معنویت کمتری برخوردار باشد؛ این عوامل موجب می‌شود که فرد آسیب‌پذیری روانی و اجتماعی بیشتری از خود نشان دهد (شکرپیگی و قزوینه، ۱۳۹۶؛ حسینی و آقایی، ۱۳۸۷). در بخش دیگری از فیلم مشخص می‌شود که دانش‌آموز نوجوان در گوشی‌اش عکس‌های هرزه نگه‌داری می‌کرده، هرچند بر اساس همین شواهد اندک نمی‌توان برچسب هرزگی را به دانش‌آموز زد؛ زیرا نوجوانی که در آن بلوغ جنسی نیز رخ می‌دهد دوره‌ای خاص محسوب می‌شود و نوجوانان بیشتر از قبل نسبت به مسائل جنسی کنجکاوی نشان می‌دهند که ویژگی رشدی این دوره محسوب می‌شود. اما در صورتی که این کنجکاوی به صورت افراطی و وسواس‌گونه و خارج از کنترل باشد به طوری که بر کیفیت زندگی روزانه نوجوان اثر منفی بگذارد، در آن صورت تبدیل به مشکل می‌شود که نیاز به درمان دارد (فلدمن و میدلمن، ۲۰۰۲). شرایط مختلف همچون سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد و عوامل روان‌شناختی همچون خودکارآمدی ادراک شده پایین در بروز رفتارهای ناهنجار در نوجوانان مؤثر است (اصغری، صادقی، قاسمی جوبنه، درگاهی، ۱۳۹۴).

تجاوز

تجاوز مفهومی است که با علائم و نشانه‌های بسیاری از اختلالات روان‌شناختی همچون اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) و آشفتگی‌های هیجانی همچون اضطراب (شامل احساسات ناخوشایند و مبهم هراس، نگرانی، دل شوره همراه با بلا تکلیفی و برانگیختگی فیزیولوژیکی) و افسردگی (شامل غمگینی، بی‌انگیزشی، افکار منفی، دوری از دیگران، احساس بی‌ارزشی، عدم تمرکز حواس و بی‌خوابی) همراه است و ناراحتی قابل‌ملاحظه‌ای در عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف زندگی روزمره (فردی، خانوادگی، شغلی، اجتماعی) ایجاد می‌کند (امبالو، ژانگ و سام، ۲۰۱۷؛ ناهیدی، خادمی، اریسیان و حسینقلی، ۱۳۹۴). ویژگی‌های اصلی PTSD شامل تجربه کردن یا شاهد بودن یک رویداد استرس‌زا؛ تجربه دوباره علائم این رویداد از طریق کابوس و یا فلاش‌بک‌ها؛ تلاش برای اجتناب از موقعیت‌ها، مکان‌ها و افرادی که یادآور رویداد آسیب‌زا هستند؛ علائم تحریک‌پذیری بیش‌ازحد همچون بی‌قراری، مشکلات تمرکز و اختلالات خواب؛ و تغییرات منفی در شناخت و خلق شامل باورها و انتظارات منفی مداوم در مورد خود و سرزنش مداوم خود و دیگران است (سارین، ۲۰۱۴). رعنا بعد از حادثه تجاوز نتوانست به راحتی به زندگی عادی خود برگردد. به طور مثال در حین بازی تئاتر شروع به گریه کردن می‌کند و وقتی عماد می‌پرسد چرا گریه می‌کنی، پاسخ می‌دهد چون یکی از تماشاچی‌ها شبیه آن فرد متجاوز بود، درحالی‌که قبلاً ادعا کرده بود ظاهر مرد متجاوز را ندیده است. شب به عماد می‌گوید به من نزدیک نشو چون اذیت می‌شوم، ولی صبح می‌گوید از پیش من تکان نخور. رعنا در موقعیت‌های متفاوت احساس نگرانی، گنجی و سردرگمی می‌کند و نمی‌تواند خوب بخوابد چون مدام صحنه تجاوز به ذهنش می‌آید. همه پیشنهاد‌های عماد مثلاً چند روزی پیش خانواده‌اش برود را رد می‌کند. حاضر نمی‌شود که به کلانتری برود و شکایت کند چون نمی‌تواند جلوی دیگران ماجرای تجاوز را توضیح دهد. در صحنه‌های مختلف رعنا درخواست می‌کند که چراغ باید روشن باشد، در باید باز باشد و عماد هم باید خانه باشد. همه این موارد جزو پیامدهای احتمالی تجاوز است (به خصوص علائم و نشانه‌های PTSD) و فردی که قربانی تجاوز است حتماً باید به یک درمانگر حرفه‌ای مراجعه کند، اما رعنا با اینکه به شدت پریشان است ولی به درمانگر مراجعه نمی‌کند. حتی نزدیک‌ترین فرد به او که عماد است چون فاقد مهارت‌های لازم برای برخورد با فرد قربانی است، نمی‌تواند کمکی کند و فقط سعی می‌کند منطقی رفتار کند ولی واکنش‌های رعنا او را کلافه و بعضاً عصبانی می‌کند (در قسمتی که مفهوم مهارت زناشویی تحلیل می‌شود، بیشتر در این ارتباط توضیح داده می‌شود).

وسوسه و دروغ

1. Feldmann & Middleman
2. post traumatic stress disorder
3. Mballo, Zhang & Sam
4. Sareen

و سوسه و دروغ مفاهیمی مرتبط با مفهوم اخلاق هستند. افرادی که از هوش اخلاقی بالایی برخوردار هستند توانایی تشخیص عمل درست از غلط را دارند (بوربا^۲، ۲۰۰۱) و از ویژگی‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری، درستکاری^۳ (هماهنگی بین باورها و اعمال فرد، انجام کارهای درست و راستگویی)، شفقت‌ورزی^۴ (برخورداری از نگرشی مثبت و حس‌ی از مهربانی و مراقبت نسبت به خود و دیگران) و بخشش^۵ (گذشت نسبت به اشتباهات خود و دیگران) برخوردار هستند (لنیک و کیل^۶، ۲۰۱۱) که موجب می‌شود بهزیستی روان‌شناختی بالاتری را تجربه کنند (ستوده، شاکری نیا، خیراتی، درگاهی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۵). کلبیرگ^۷ (۱۹۷۳، نقل از نصیری، ۱۳۸۷) که نظریه رشد اخلاقی را مطرح کرده است، اعتقاد دارد رفتار اخلاقی بر اساس استدلال‌های اخلاقی صورت می‌گیرد که در مراحل مختلف رشدی تحول می‌یابد. در مرحله پیش‌قراردادی^۸؛ کودک به دلیل دریافت پاداش یا اجتناب از تنبیه رفتار اخلاقی انجام می‌دهند. وقتی فرد بزرگ‌تر می‌شود وارد سطح قراردادی^۹ می‌شود و رفتار اخلاقی تحت تأثیر قوانین و آداب‌ور سوم جامعه قرار دارد و رفتار فرد در این سطح برای سازگاری و هماهنگ شدن با نظم اجتماعی است. مرحله بعدی یا پس‌قراردادی^{۱۰} که بالاترین سطح رشد است، استدلال اخلاقی به‌طور کامل در فرد درونی شده و بر هنجارهای دیگران مبتنی نیست (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰) و اخلاق فراتر از قراردادهای اجتماعی است، به‌طوری‌که فرد از آن‌رو کار درست را انجام می‌دهد که به‌منزله موجودی عاقل، ارزش این اصول را درک کرده و خود را موظف به تبعیت از آن می‌داند (نصیری، ۱۳۸۷). افراد در زندگی در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که باید انتخاب کنند چطور رفتار کنند و در صورتی‌که از سطوح بالاتر پختگی روانی اجتماعی و هوش اخلاقی برخوردار باشند و به لحاظ اخلاقی نیز رشد کرده باشند، توانایی تشخیص عمل درست از نادرست را خواهند داشت، بر اساس معیارهای اخلاقی رفتار می‌کنند و مسئولیت انتخابی که می‌کنند را می‌پذیرند. اگر فرد به سطوح بالاتر رشد اخلاقی رسیده باشد، به احتمال کمتری مرتکب عمل غیراخلاقی می‌شود، چون به ارزشمندی اصول اخلاقی که به آن پایبند است و در وی درونی شده اعتقاد راسخ دارد و این اصول در هر موقعیتی همچون موقعیت‌های و سوسه‌کننده پابرجا باقی می‌ماند؛ حتی اگر فرد مطمئن باشد که اگر عمل خطایی انجام دهد، کسی متوجه نخواهد شد و تنبیه نیز نمی‌شود. همان‌طور که در فیلم نشان داده شد، بابک به عماد دروغ می‌گوید که آهو را از قبل نمی‌شناخته است. همچنین وقتی پیرمرد در خانه با عماد تنها است مدام بر دروغ خودش اصرار می‌ورزد که او خطایی نکرده، ولی وقتی شواهد بیانگر آن است که او مرتکب تجاوز شده و در پاسخ به عماد که می‌پرسد چرا وقتی متوجه شده زنی دیگر در حمام است خانه را ترک نکرده، اعتراف می‌کند: «سوسه شدم».

علاقه اجتماعی

علاقه اجتماعی^{۱۱} مفهومی است که توسط آدلر^{۱۲} (۱۹۷۹؛ نقل از ابرست و استوارت^{۱۳}، ۲۰۰۳) مطرح شده و به معنای مشارکت برای همکاری، کمک کردن، سهیم شدن، درک کردن، عشق ورزیدن، پذیرش عشق دیگران، نوع‌دوستی، همدلی، شفقت‌ورزی و نگرش مثبت نسبت به دیگران است که سلامت روان را به ارمغان می‌آورد. علاقه اجتماعی در امور جاری زندگی مانند دوستی، عشق و کار متجلی می‌شود و سلامت روانی فرد، نیازمند کنار آمدن و سازگاری موفق با این چالش‌های جاری در زندگی است و موجب سلامت جامعه نیز می‌شود (رحیمی و آزادفلاح، ۱۳۹۷). افرادی که از سطوح علاقه اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، سبک زندگی مفید به حال جامعه ایفا می‌کنند و در چهارچوب کاملاً رشدیافته با مشکلات مقابله می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۹). در فیلم نیز بخش‌هایی وجود دارد که در آن افراد حتی در شرایط سخت به دیگران اهمیت می‌دهند و کمک‌کننده، حامی، همدل و دلسوز هستند. به‌طور مثال در همان ابتدای فیلم ساکنین خانه‌ای که در حال لرزش بود و هر لحظه امکان داشت که فرو بریزد در حال خروج از ساختمان بودند و وقتی یکی از همسایه‌ها

1. moral intelligence

2. Borba

3. integrity

4. compassion

5. forgiveness

6. Lennick & Kiel

7. Kohlberg

8. preconventional

9. conventional

10. postconventional

11. social interest

12. Adler

13. Oberst & Stewart

0

1

2

3

از عماد درخواست کمک می‌کند که فرزند معلولش را جابجا کند، او می‌پذیرد و در شرایطی دشوار به هم‌نوع خود کمک می‌کند. همچنین بعد از اینکه حادثه تجاوز رخ می‌دهد، همسایه‌ها و همکاران عماد سعی می‌کنند که با حضور خودشان کمک‌کننده، حامی، همدل و دلسوز باشند و بعد از روز حادثه نیز پیگیر احوال رعنا هستند. حتی بابک که مرتکب هرزگی یا دروغ‌گویی شده است، ولی احتمالاً قصدش از پیشنهاد آن خانه به عماد خیر بوده و شاید هیچ‌وقت پیش‌بینی نمی‌کرده چنین حادثه هولناکی در آن خانه رخ دهد. بابک در اسباب‌کشی هم به عماد کمک می‌کند. در واقع بابک نیز در بخش‌هایی از فیلم به‌عنوان فردی که قصدش کمک کردن، سهیم شدن و حمایت کردن است دیده می‌شود. همان‌طور که در بخش مفهوم دگرگونی گفته شد بر اساس نظریه میشل و شودا (۱۹۹۵) افراد می‌توانند در موقعیت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود بروز دهند، زیرا انسان موجودی پیچیده و چندبعدی است و عوامل فردی، اجتماعی و تعامل این عوامل در تبیین رفتارها نقش دارند.

بخشش

چالش بخشش و انتقام در فیلم وجود دارد. بخشش موجب می‌شود افراد به‌جای اینکه درگیر اجتناب یا انتقام شوند که موجب خشم و تشدید مشکلات روان‌شناختی می‌شود (چانگ، ۲۰۱۶)، رفتارهایی اتخاذ کنند که به‌موجب آن واکنش منفی طبیعی‌شان به فرد متجاوز را فرونشاندند و به‌طور سازنده‌ای برانگیخته شوند تا به شیوه‌های مثبت واکنش نشان دهند (مک کالو و ورثینگتون، ۱۹۹۹؛ نقل از لواف پور نوری، زهراکار و آذرهوش، ۱۳۹۳)؛ در نتیجه از شدت مشکلات روان‌شناختی فرد کاسته می‌شود (رسین، رسین و پالدون، ۲۰۱۹). رعنا به‌عنوان فردی که قربانی تجاوز است و عماد به‌عنوان همسر رعنا که به‌شدت تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته است در چالش بخشش یا انتقام قرار می‌گیرند. البته رعنا بعد از حادثه تجاوز به دلیل اینکه پریشان است (از علائم و نشانه‌های PTSD رنج می‌برد)، خیلی درگیر چالش بخشش و انتقام نمی‌شود. البته در بخش‌هایی از فیلم رعنا از عماد می‌خواهد که فرد متجاوز را آزاد کند ولی معلوم نیست که بر چه اساسی به این تصمیم رسیده و مجدداً تأکید می‌شود چون رعنا از عواقب منفی حادثه تجاوز رنج می‌برد، تصمیماتی که می‌گیرد خیلی معقولانه به نظر نمی‌رسند. از سوی دیگر عماد بیشتر درگیر چالش بخشش می‌شود و اصرار دارد که فرد خاطی باید تنبیه شود.

در ارتباط با مفهوم بخشش ذکر این نکته ضروری است که معمولاً مدل‌های بخشش‌درمانی فرآیندمدار هستند، یعنی بخشش دارای مراحل است که باید طی شود و در یک مرحله رخ نمی‌دهد (انرایت و گروه مطالعه رشد انسانی، ۱۹۹۶). مدل‌های فرآیندی بخشش در برخی اصول شباهت‌هایی دارند: افراد آسیب‌دیده در درجه اول احساس اولیه خشم و آسیب‌دیدگی و به‌تبع آن پیامدهای منفی عاطفی و شناختی را تجربه می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که راهبردهای قبلی به کار گرفته شده برای مقابله با آسیب مفید نبودند و تصمیم می‌گیرند که ببخشند و در نهایت برای فرد خاطی همدلی و دلسوزی نیز بروز می‌دهند (استریلان و کاویک، ۲۰۰۶). به‌طور مثال در مدل فرآیندی بخشش که توسط انرایت و گروه مطالعه رشد انسانی (۱۹۹۶) تدوین شده، بخشش شامل مراحل مختلف آشکارسازی (آگاهی از چگونگی مقابله با خشم و تأثیری که خشم بر سلامتی، دیدگاه فرد و تغییراتی که در زندگی‌اش گذاشته است)، تصمیم‌گیری (فرد به این نتیجه برسد کارهایی که تاکنون انجام داده فایده‌ای نداشته و اشتیاق پیدا کند راهبرد متفاوتی اتخاذ کند و تصمیم بگیرد که ببخشد)، عمل (در این مرحله فرد رنجی که متحمل شده را می‌پذیرد و نسبت به فرد متجاوز احساس همدلی و دلسوزی می‌کند) و عمق‌بخشی (کشف معنایی که در رنج نهفته است، کشف معنا در زندگی و اینکه فرد احساس کند تنها نیست و کشف پیامدهای مثبتی که بخشش می‌تواند برای فرد به ارمغان بیاورد) است. بنابراین بخشش به‌عنوان یک فرآیند مفهومی ساده نیست و این انتظار که عماد در چالش بخشش موفق عمل کند، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عماد نیز به درمانگر مراجعه نکرده و بدون دانش و مهارت در این چالش

1. Chung
2. McCullough & Worthington
3. Recine, Recine & Paldon
4. Enright & The Human Development Study Group
5. Strelan & Covic
6. uncovering
7. deciding
8. action
9. deepening

درگیر شود. عماد بعد از یک فرآیند طولانی (به دلیل درخواست رعنا و احتمالاً به دلیل اینکه خانواده فرد متجاوز آنجا حضور داشتند و اینکه متجاوز فردی سالمند و مریض است) تصمیم می‌گیرد که فرد خاطی را آزاد کند (البته مشخص نیست که این تصمیم از روی اراده بوده یا صرفاً به خاطر شرایط خاصی بوده که در آن قرار داشته است). شاید برخی مخاطب‌های فیلم اعتقاد داشتند عماد باید خیلی شدید فرد متجاوز را تنبیه می‌کرد و به سزای عملش می‌رساند. عماد ابتدا تصمیم می‌گیرد که مسئله‌ای که رخ داده را به خانواده پیرمرد بگوید و این بزرگ‌ترین شکنجه برای پیرمرد محسوب می‌شود که آبرویش پیش خانواده و دامادی که به‌تازگی با خانواده آن‌ها وصلت کرده، برود. اما در لحظه آخر یک صحنه مهم و نمادین رخ می‌دهد و آن سیلی است که عماد بر صورت پیرمرد خاطی می‌زند. این سیلی به‌عنوان شوکی که بیشتر از اینکه درد فیزیکی داشته باشد، به احتمال زیاد درد روانی به پیرمرد وارد کرد (به دلیل عمل غیراخلاقی که مرتکب شد) و این قدر برای پیرمرد عذاب‌آور بود که موجب بیهوشی و احتمالاً مرگ وی شد. در واقع عماد در لحظه آخر با همان سیلی که بر صورت پیرمرد می‌زند انتقام خود را می‌گیرد و به‌نوعی خشم انباشته شده خود را تخلیه می‌کند (همان‌طور که در مفهوم دگرگونی تو ضیح داده شد مجموعه‌ای از عوامل موجب شدند که عماد به‌مرور رفتارهایی از خود بروز دهد که قبلاً احتمالاً کمتر نشان می‌داده است).

مهارت زناشویی

مهارت زناشویی به‌خصوص وقتی حادثه تروماتیک برای رعنا رخ می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. برخورداری از مهارت‌های زناشویی که موجب بهبود کیفیت زندگی زناشویی می‌شود، دوطرفه است و رابطه زناشویی یک فعل است؛ زیرا زوجها برای اینکه ازدواجی شاد را تجربه کنند باید کاری انجام دهند (اسکورتو، ۲۰۱۶؛ ترجمه اصغری و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). بر اساس رویکردهای هیجان‌مدار، هیجان‌هایی که افراد تجربه می‌کنند با توجه به بافتی که در آن قرار دارند طبیعی قلمداد می‌شوند (پیویو، ۲۰۱۳) و هر هیجانی به‌عنوان یک پیام‌رسان عمل می‌کند، به‌طوری که هیجان‌های ناخوشایند این پیام را می‌رسانند که چیزی نیاز به تغییر دارد یا باید بهبود پیدا کند. رعنا نیز سرشار از هیجان‌های ناخوشایند است و با توجه به بافتی که در آن قرار دارد طبیعی است، چون او مورد تجاوز قرار گرفته و در این جو هیجانی، رفتارهای منطقی خیلی مؤثر واقع نمی‌شوند. درحالی که در موقعیت‌های متعدد عماد منطقی رفتار می‌کند و وقتی به نتیجه نمی‌رسد کلافه می‌شود. عماد به‌صورت منطقی پیشنهاد می‌دهد که رعنا چند روزی پیش خانواده‌اش برود، یا اینکه حاضر شود به کلانتری برود و شکایت کند. در واقع عماد در موقعیت‌های مختلف باید به رعنا توجه کند، درک کند، حمایت کند، حضور ملموس داشته باشد، در کنارش باشد، شنونده، همدل و دلسوز باشد و نوازش کند درحالی که بیشتر سعی می‌کند به‌صورت منطقی رفتار کند، سؤال می‌کند و حتی پیگیر قوی که به رعنا داده که خانه را عوض کند نیست و از رعنا انتظار دارد که خیلی سریع به همان شرایط عادی قبل برگردد. یکی از مهارت‌های مهم زناشویی همدلی است، یعنی فهم آنچه دیگری فکر می‌کند، قرار دادن خود به‌جای دیگری و فهم عاقلانه شرایط دیگری (اسکورتو، ۲۰۱۶؛ ترجمه اصغری و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷) که با پیامدهای مثبت در رابطه زناشویی همراه است (کرامر و جوت، ۲۰۱۰). همچنین یکی دیگر از مهارت‌های زناشویی که با همدلی نیز مرتبط است، اعتباربخشی است که به معنی پذیرش و درک هیجان‌هایی است که دیگران در موقعیتی خاص تجربه می‌کنند (اسکورتو، ۲۰۱۶؛ ترجمه اصغری و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). اما در بخش‌های مختلف فیلم زمانی که رعنا نیاز به همدلی یا اعتباربخشی داشت، عماد بیشتر به‌صورت منطقی یا سردرگم رفتار می‌کرد که مؤثر واقع نمی‌شد. البته خود عماد نیز چون در شرایط تنش‌زا قرار داشت و به دلایلی که در بخش مفهوم دگرگونی گفته شد، خیلی شرایط روانی خوبی نداشت و چون فاقد مهارت‌های لازم برای مقابله با چنین رویداد تروماتیکی بود؛ در نتیجه انتظار اینکه به‌صورت مناسب رفتار کند، منطقی به نظر نمی‌رسد.

البته در فیلم بخش‌هایی وجود داشت که عماد رفتارهای مثبتی از خود بروز داده است. به‌طور مثال در بخشی از فیلم که بچه صنم مهمان آن‌ها است، رعنا از عماد می‌خواهد که دنبال ماجرای تجاوز نرود و عماد نیز قبول می‌کند و سه‌تایی شروع به غذا خوردن می‌کنند و عماد با شوخ‌طبعی، سرزندگی و روحیه خوبی که دارد، جو شادی در خانه ایجاد می‌کند. شوخ‌طبعی یکی از راهبردهای مثبت تنظیم هیجانی محسوب می‌شود که موجب کاهش شدت تنش ادراک شده و افزایش عواطف مثبت می‌شود (برانیکا، وکویکز، چرزونویکز-استپین،

1. Paivio

2. empathy

3. Cramer & Jowett

4. validation

میکولاجونک و لیپیک، ۲۰۱۹). همچنین عماد وقتی متوجه می‌شود که غذا ندانسته با پول پیرمرد خریداری شده، مدیریت خوبی بر هیجان‌ش دارد، به طوری که در عین حال که ناراحت شده ولی ظاهرش را حفظ کرده و پیشنهاد خرید غذایی دیگر می‌دهد و جو شاد خانه را حفظ می‌کند. در بخش دیگری از فیلم وقتی رعنا به گوشه‌ای از اتاق می‌رود و گریه می‌کند، عماد کنارش می‌نشیند و نوازشش می‌کند و با حرف‌های مثبتی که می‌زند، او را آرام می‌کند. همچنین عماد به هویت فردی رعنا از طریق احترام به خواست وی مبنی بر عدم شکایت از فرد متجاوز احترام گذاشت.

طلاق

طلاق مفهومی صرفاً منفی یا مثبت نیست ولی انتخابی است که می‌تواند پیامدهای مختلفی به همراه داشته باشد. آهو زنی بدنام است ولی صنم از طریق بازیگری امرار معاش می‌کند. هرچند بر اساس صحنه‌های اندک نمی‌توان درباره این دو شخصیت، قضاوت جامعی داشت اما به هر حال طلاق می‌تواند موجب پیامدهای منفی به خصوص برای زنان در جامعه شود. در صورتی که زنان طلاق گرفته از برخی ویژگی‌ها و مهارت‌ها برخوردار باشند می‌توانند به سازگاری پس از طلاق برسند و به زندگی خود ادامه دهند و موفقیت را نیز تجربه کنند، به طوری که یافته‌های یک پژوهش نشان داد که طلاق به عنوان یک رویداد آسیب‌زا می‌تواند جنبه‌های سازنده‌ای نیز داشته باشد و موجب رشد افراد شود (بحرانی، ۱۳۹۷). در همین راستا یافته‌های پژوهشی دیگر نشان داد افزایش حالات روان شناختی همچون خوش‌بینی، احساس کنترل، امیدواری، معنادار بودن زندگی و رضایت از زندگی میزان سازگاری بعد از طلاق در زنان را افزایش می‌دهد (آخوندی درزی، اسمعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶). از سوی دیگر همان‌طور که در بخش هرزگی نیز گفته شد وقتی حمایت اجتماعی به خصوص از سوی خانواده ضعیف باشد و فرد فاقد یک مهارت شغلی یا مهارت‌های زندگی همچون تاب‌آوری، سرسختی و عزت‌نفس باشد، پدیده‌ای مثل طلاق می‌تواند موجب آسیب‌پذیری روانی و اجتماعی شود (شکریگی و قزوینه، ۱۳۹۶؛ حسینی و آقایی، ۱۳۸۷). در همین راستا یافته‌های یک مطالعه نشان داده است که عواملی همچون مشکلات مالی، احساس تنهایی، محدود شدن روابط، مزاحمت دیگران در محیط کار و جامعه، پیشنهادهای دو ستی و ازدواج موقت، سرزنش و اعتراض خانواده، فشار خانواده به ازدواج مجدد و عدم رسیدگی به تربیت فرزندان موجب فشار مضاعف بر زنان مطلقه می‌شوند (عسکری و جوادیان، ۱۳۹۶). پیامدهای طلاق فقط محدود به زن و شوهر نمی‌شود، بلکه فرزندان طلاق نیز تبعات ناشی از آن را تجربه می‌کنند. در فیلم نیز پیامدهای منفی طلاق بر فرزندان نشان داده می‌شود، به طور مثال فرزند آهو به مادرش زنگ می‌زند و می‌پرسد: «لو مامان، مامانی کی می‌ای دنبالم؟» در بخشی دیگر از فیلم فرزند صنم وقتی که زنگ خانه به صدا در می‌آید به رعنا می‌گوید: «اگر بابام بود بهش بگو سجاد نیست، چون مامانم رو دوست دارم.» یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که وضعیت فرزندان طلاق در مقایسه با فرزندان یتیم و عادی به لحاظ سلامت روان شناختی نامطلوب‌تر است (یحیی زاده و حامد، ۱۳۹۴). در واقع آسیب‌های فرزندان خانواده‌های طلاق در حوزه‌های مختلف زندگی گسترش پیدا می‌کند و در صورت عدم رسیدگی تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا می‌کند (کاوایان، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵).

خشونت

مهم‌ترین خشونت، تجاوز پیرمرد بود که موجب بحران در زندگی رعنا و عماد شد. سیلی که عماد بر صورت پیرمرد زد نیز نوعی از خشونت بود، هرچند همان‌طور که در مفاهیم قبلی گفته شد این سیلی جنبه نمادین داشت. عماد در همین بخش از فیلم به دلیل خطایی که پیرمرد مرتکب شد و مدام کتمان می‌کرد، رفتار پر خاشگرانه‌ای با وی داشت. رفتار عماد با دانش‌آموز زمانی که می‌خواست موبایلش را چک کند نیز پر خاشگرانه بود. همچنین در بخشی از فیلم زمانی که عماد در حال رانندگی بود (رعنا نیز کنارش نشسته بود) و به دلیل اتفاقات اخیر سردرگم بود، راننده دیگر به او توهین کرد. در واقع یکی از انواع خشونت، خشونت کلامی است که در موقعیت‌های مختلف همچون رانندگی نمود پیدا می‌کند. در تعریف خشونت تأکید بر این است که یک شخص باید قصد استفاده از قدرت یا نیرو علیه خود یا دیگران را داشته باشد که موجب آسیب فیزیکی یا روان‌شناختی به خود و دیگران می‌شود (روترفورد، زوی، گراو و بوتچارت، ۲۰۰۷). عوامل مختلف در خشونت و رفتار پر خاشگرانه نقش دارند. از یک‌سو برخی نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که خشونت بخشی از

1. Braniecka, Wołkiewicz, Chrzczonowicz-Stepien, Mikołajonek & Lipiec

2. Rutherford, Zwi, Grove & Butchart

ماهیت بشر است، زیرا انسان به دلایل زیستی و روانی مستعد خشونت است؛ از سوی دیگر نظریه پردازان دیگر اعتقاد دارند که خشونت حاصل تجربه‌های ناکارآمد است و عوامل محیطی یا فقدان برخورداری از برخی ویژگی‌ها و مهارت‌ها موجب آسیب‌پذیری فرد در برابر خشونت و پرخاشگری می‌شوند (کینگ^۱، ۲۰۱۲). در فیلم نیز پیرمرد اقرار می‌کند به این دلیل تجاوز کرده، چون و سوسه شده است. در بخش‌های قبلی نیز گفته شد افراد در صورتی که از پختگی روانی اجتماعی و هوش اخلاقی برخوردار باشند و به لحاظ اخلاقی نیز رشد کرده باشند، توانایی تشخیص عمل در ست از نادرست را دارند و در نتیجه به احتمال کمتری درگیر رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شوند. به‌طور کلی دانشمندان انسان‌گرا-وجودگرا که بر اراده آزاد تأکید دارند، بر این اعتقاد هستند که انسان‌ها محصول انتخاب‌های خود هستند و هر انتخابی به‌صورت آزادانه اتخاذ می‌شود (یالوم، ۱۹۸۰). این بدین معنی است که علی‌رغم همه محدودیت‌های زیستی-روانی-اجتماعی که برای انسان وجود دارد، اما در نهایت باید از بین چند گزینه حتی اگر تعداد گزینه‌ها محدود باشد دست به انتخاب بزند و هر انتخابی نیز پیامدهایی دارد که فرد باید مسئولیت آن را بپذیرد. بنابراین عوامل مختلف زیستی-روانی-اجتماعی در بروز انواع خشونت نقش دارند، ولی در نهایت هر خشونت، انتخابی است که از سوی فرد سر می‌زند.

قضاوت

مخاطبان درباره شخصیت‌های فیلم قضاوت‌های مختلفی می‌کنند که بعداً متوجه می‌شوند برخی از این قضاوت‌ها نادرست بودند. به‌طور مثال شاید اولین باری که در فیلم عماد با جوانی که صاحب وانت بود (داماد پیرمرد) مواجه شد، همه این‌طور قضاوت کردند که عامل اصلی تجاوز همین فرد است و کمتر کسی فکر می‌کرد که پیرمرد مرتکب تجاوز شده باشد. کابات-زین^۲ (۱۹۹۰) از اساتید مطرح ذهن‌آگاهی^۳ اعتقاد دارد که فرد باید نسبت به ذهن خود که مدام در حال قضاوت کردن است، آگاهی داشته باشد تا بتواند نگرش غیرقضاوتی^۴ را در خود پرورش دهد. در واقع ویژگی ذهن این است که مدام در حال قضاوت کردن است و وقتی فرد نسبت به این مسئله آگاهی پیدا می‌کند لزومی نمی‌بیند که سریع بر اساس قضاوت‌های آنی خود واکنش نشان دهد. در نتیجه اگرچه قضاوت در ذهن رخ داده است اما رفتاری بر اساس قضاوت رخ نداده است و فرد می‌تواند به‌جای واکنش فوری و نسنجیده، با صبر و آگاهی که اتخاذ کرده است در زمان مناسب و بر اساس اطلاعات کافی که کسب می‌کند، کنش و پاسخ سازنده داشته باشد (قاسمی جوبنه، ۱۳۹۴).

بحث و نتیجه‌گیری

فیلم فروشنده نمایانگر جامعه‌ای است که مفاهیم مطرح شده در آن وجود دارد. این‌ها جنبه‌های منفی یک جامعه در حال گذار یا مدرن محسوب می‌شود که باوجود پیشرفت و رفاه نسبی، اما مشکلات انسانی نیز وجود دارد و نحوه مقابله با این مشکلات تعیین‌کننده سلامت روان است؛ بدین معنی که اگر افراد توانایی مقابله سازنده با عوامل تنش‌زا را داشته باشند، سلامتی بالاتری را تجربه می‌کنند، در غیر این صورت آسیب‌های مختلف همچون افسردگی، اضطراب، اعتیاد و خشونت روزه‌روز افزایش پیدا می‌کند (پنلی، توکا و ویب^۵، ۲۰۰۲). در این فیلم اعضاء جامعه از یک‌طرف علاقه اجتماعی نشان می‌دهند ولی از طرف دیگر با پیام‌های متضادی که ارسال می‌کنند، موجب دگرگونی برخی شخصیت‌های فیلم می‌شوند. انسان به‌عنوان موجودی پیچیده و پویا دارای ویژگی‌های مختلفی است که هیچ‌کدامشان لزوماً بد یا خوب نیستند بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی و محیطی مشخص می‌کنند که یک ویژگی سازنده یا غیرسازنده است. البته وقتی شرایط دشوار به‌صورت مزمن درآید و شدت داشته باشد آن‌وقت خطرناک و آسیب‌زا می‌شود و بسیاری از چالش‌هایی که طبیعی هستند، موجب افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی می‌شوند (ماریوتی^۶، ۲۰۱۵). این فیلم ارتباط متقابل خانواده و جامعه را نشان می‌دهد. جامعه از خانواده و خانواده نیز از اعضا شکل گرفته است. در متون خانواده‌درمانی بر سلامت خانواده تأکید می‌شود چون سلامت جامعه را نیز به دنبال دارد. در این فیلم مهارت‌های زناشویی به‌عنوان یکی از عوامل مرتبط با سلامت خانواده مطرح شد. در صورتی که زیرمنظومه زناشویی خوب عمل کند و زوجین از روابط زناشویی خود رضایت داشته باشند، سایر زیرمنظومه‌ها (همچون زیرمنظومه والدینی) نیز به‌احتمال

1. King

2. free will

3. Kabat-Zinn

4. Mindfulness

5. non-judgmental

6. Penley, Tomaka & Wiebe

7. Mariotti

بیشتر خوب عمل خواهند کرد و ثبات خانواده افزایش پیدا می‌کند (مینوچین، ۱۹۷۴؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۸۹). البته بین خانواده و جامعه ارتباط متقابل وجود دارد و جامعه از طریق مشکلات اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌تواند بر عملکرد خانواده اثر منفی داشته باشد و در مقابل، یک خانواده با عملکرد سالم نیز اعضای نیرومند و تاب‌آور پرورش می‌دهد که آسیب‌پذیری کمتری در برابر آسیب و مشکلات اجتماعی نشان می‌دهند (جلیلی نیکو، خرامین، قاسمی جوبنه و محمدعلی پور، ۱۳۹۴؛ توماس، لیو و آمبرسون، ۲۰۱۷؛ ماکای، ۲۰۰۳). این فیلم درباره شیوه مقابله افراد با موقعیت‌های مختلف است. امروزه افراد باید بلد باشند در موقعیت زناشویی چطور رفتار کنند؛ اگر نحوه رفتار با یک فرد قربانی تجاوز را بلد نیستند باید یاد بگیرند تا از بدتر شدن اوضاع جلوگیری کنند و اگر طلاق گرفته‌اند چطور باید با همسر سابق و فرزندان خود مواجه شوند که از آسیب‌های پس از طلاق کم کنند. در همان ابتدای فیلم دیوارهای ترک‌خورده اتاق خواب عماد و رعنا نمایش داده می‌شود که شاید به صورت نمادین نشانگر رابطه زناشویی شکننده عماد و رعنا باشد، هر چند قبل از اینکه حادثه رخ دهد، نشانه‌ای که رابطه این دو خراب است، دیده نمی‌شود. به‌رحال در دنیای امروز هر چیز مهمی همچون ازدواج نیاز به مهارت دارد، یعنی افراد باید یاد بگیرند که چه کار کنند که ازدواج بهتری داشته باشند (اسکورتو، ۲۰۱۶؛ ترجمه اصغری و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). در ارتباط با مشکلات جامعه دیالوگ مهمی در فیلم وجود دارد که قابل تأمل است. در بخشی از فیلم عماد به بابک می‌گوید: «چه کار دارند می‌کنند با این شهر، دلم می‌خواست می‌شد یه لودر گذاشت زیر این شهر همه رو خراب کرد دوباره از نو ساخت.» بابک در پاسخ می‌گوید: «بابا همه این‌ها رو یه بار خراب کردند دوباره ساختند این از آب در اومده.» از این دیالوگ می‌توان این‌طور برداشت کرد که برخورد افراطی، خراب کردن همه چیز و از نو ساختن لزوماً همیشه موجب بهبودی و پیشرفت نمی‌شود و حتی ممکن است موجب تکرار روند غلط گذشته شود! در واقع رفتارهای نسنجیده، فوری و افراطی نقشی در رشد و تحول جوامع ندارند. مفاهیم اخلاقی نیز در فیلم مطرح می‌شود. در صورتی که اعضاء یک جامعه به درجه‌های بالاتر رشدیافتگی اخلاقی رسیده باشند، رفتارهای اخلاقی بیشتری نیز بروز می‌دهند که به نفع فرد و جامعه است. در این فیلم چالش بخشش و انتقام در همان ساختمان در حال ریزش رخ می‌دهد که قابل اتکا نیست. بنابراین شاید بتوان به صورت نمادین این‌طور تفسیر کرد که هر تصمیمی در این ساختمان در حال لرزش و بی‌ثبات گرفته شود، سازنده نخواهد بود. تصمیم‌گیری درباره بخشش یا انتقام امری ساده نیست بلکه فرآیندی است که به عوامل مختلف بستگی دارد (انرایت و گروه مطالعه رشد انسانی، ۱۹۹۶). هر چند شاید بتوان با احتیاط این‌طور ادعا کرد که عماد تصمیمی متعادل گرفت که از یک سو به حرف همسرش گوش داد و آبروی پیرمرد را پیش خانواده‌اش نبرد و از طرفی دیگر با سیلی که بر صورت پیرمرد زد با تخلیه خشم خود به نوعی انتقام خود را نیز گرفت. هر چند در صحنه‌ای که در آخر فیلم نشان داده شد، عماد که مشغول بازی در تئاتر است در تابوت قرار دارد و مرده است و رعنا نیز که مشغول بازی کردن است در حال گریه کردن است و به نظر می‌آید که گریه‌اش واقعی باشد. شاید بتوان به صورت نمادین این‌طور تفسیر کرد که عماد به دلیل تجربه‌های چالش‌زایی که داشته است و موجب دگرگونی وی شده‌اند، در دنیای واقعی نیز خود را باخته است و تبدیل به یک فرد مرده شده است؛ البته این صحنه به شدت تأمل‌برانگیز است و باید با احتیاط تفسیر شود. در پژوهش حاضر فیلم فروشنده بر اساس مفاهیم روانی اجتماعی تحلیل شد، پیشنهاد می‌شود که فیلم فروشنده توسط سایر متخصصان علوم انسانی نیز مطالعه شود و از جنبه‌های مختلف به خصوص جنبه‌های ادبی و فلسفی نیز تحلیل شود.

منابع

- آخوندی درزی، مینا؛ اسمعیلی، معصومه؛ و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۶). پیش‌بینی حالات روان‌شناختی مثبت در سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۵(۲)، ۱۵۴-۱۳۷.
- آذری، غلامرضا؛ و تاقی، علی (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی هویت زن در سینمای بیضایی و مهرجویی. *مجله علوم رفتاری*، ۳(۷)، ۲۶-۹.
- اسکورتو، آنجلو. (۲۰۱۶). *مشاوره قبل از ازدواج، راهنما برای درمانگران*. ترجمه فرهاد اصغری و رضا قاسمی جوبنه (۱۳۹۷). تهران: انتشارات آوای نور.
- اصغری، فرهاد؛ صادقی، عباس؛ قاسمی جوبنه، رضا؛ و درگاهی، شهریار (۱۳۹۴). نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در هم‌نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶(۲)، ۴۸-۳۳.
- افراسیابی، حسین؛ و ممبینی، سجاد (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی شعر «برف» نیما بر اساس آرای شریعتی و با تکیه بر مفهوم «غم». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۱(۷)، ۶۳-۷۹.

1. Thomas, Liu & Umberson

2. Mackay

- بحرانی، فاطمه سادات (۱۳۹۷). *ارائه الگوی رشد پس از ترومای ناشی از طلاق در زنان مطلقه*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه گیلان. جلیلی نیکو، سعید؛ خرامین، شیرعلی؛ قاسمی جوبنه، رضا؛ و محمدعلی پور، زینب (۱۳۹۴). نقش تاب آوری خانواده و ذهن آگاهی در آمادگی اعتیاد دانشجویان. *ارمغان دانش*، ۲۰(۴)، ۳۵۷-۳۶۸.
- حسینی، سیداحمد؛ و آقایی، مرضیه (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر پدیده روسپی گری. *پژوهش اجتماعی*، ۱(۱)، ۸۷-۶۳.
- دادگران، سید محمد؛ زندی، مهسا؛ و امیری، مریم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نقش فرهنگی سینمای ایران بر پایبندی ارزش های اخلاقی جوانان (مطالعه موردی: تهران منطقه ۵). *مطالعات رسانه ای*، ۱۰، ۷-۲۰.
- رحیمی، احمد؛ و آزادفلاح، پرویز (۱۳۹۷). مقایسه علاقه اجتماعی، خودشیفتگی و رضایت زناشویی در زوجین ایرانی و افغانستانی. *مجله روانشناسی بالینی*، ۱۰(۲)، ۵۸-۵۱.
- ستوده، حافظ؛ شاکری نیا، ایرج؛ خیراتی، مریم؛ درگاهی، شهریار؛ و قاسمی جوبنه، رضا (۱۳۹۵). رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان شناختی پرستاران. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۱(۱)، ۷۳-۶۳.
- شکریبگی، عالییه؛ و قزوینه، شیدا (۱۳۹۶). روسپی گری زنان (مورد پژوهی روسپی گری زنان کولی در محله حکمت آباد کرمانشاه). *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۵(۳)، ۱۶۴-۱۴۵.
- عسکری، اشرف؛ و جوادیان، سیدرضا (۱۳۹۶). فشار مضاعف زندگی، پیامد اصلی طلاق در زنان: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۴)، ۴۳۶-۴۲۷.
- فیست، جس؛ و فیست، گریگوری جی (۲۰۰۲). *نظریه های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۳). تهران: نشر روان.
- قاسمی جوبنه، رضا (۱۳۹۴). *اتریشی آموزش ذهن آگاهی در کاهش فرسودگی زناشویی زنان دارای همسر معتاد*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی تهران.
- کاویان، مینا؛ خجسته کاشانی، امیر؛ و تهامی، الهام (۱۳۹۵). کمک های اولیه روان شناختی برای کودکان طلاق: یک مطالعه مروری. *رویش روانشناسی*، ۳(۳)، ۱۸۵-۲۰۳.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۹). *روانشناسی شخصیت*. تهران: نشر ویرایش.
- لطفآبادی، حسین (۱۳۸۰). روان شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی. *حوزه و دانشگاه*، ۲۹، ۱-۱۰.
- لوف پورنوری، فرشاد؛ زهراکار، کیانوش؛ و آذرهوش، زهرا (۱۳۹۳). تبیین نقش اثربخشی مداخله بخشش فرایندمحور در کاهش انگیزه های انتقام جویی و دوری گزینی دانش آموزان پسر دوره راهنمایی. *مجله روانشناسی مدرسه*، ۳(۲)، ۱۸۵-۱۷۰.
- مینوچین، سالوادور (۱۹۷۴). *خانواده و خانواده درمائی*. ترجمه باقر ثنائی (۱۳۸۹). تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ناهدی، فاطمه؛ خادمی، نسیم؛ اریسیان، محمد؛ و حسینقلی، اسما (۱۳۹۴). فراوانی اضطراب در قربانیان تجاوز جنسی. *سلامت و مراقبت*، ۱۷(۴)، ۳۱۱-۳۱۸.
- نصیری، منصور (۱۳۸۷). نگاهی به نظریه رشد اخلاقی کلبرگ. *معرفت*، ۱۳۲، ۱-۱۰.
- یحیی زاده، حسن؛ و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، ۹۱-۱۲۰.

Borba, M. (2001). *Building moral intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass.

Braniecka, A., Wołkiewicz, I., Chrzczonowicz-Stepien, A., Mikołajonek, A., & Lipiec, M. (2019). Is it worth turning a trigger into a joke? Humor as an emotion regulation strategy in remitted depression. *Brain and behavior*, 9, 1-12.

Chung, M.S. (2016). Relation Between Lack of Forgiveness and Depression: The Moderating Effect of Self-Compassion. *Psychological Reports*, 119(3), 573-585.

Cramer, D., & Jowett, S. (2010). Perceived empathy, accurate empathy and relationship satisfaction in heterosexual couples. *Journal of social and personal relationships*, 27(3), 1-10.

Das, S., Doval, N., Mohammed, S., Dua, N., & Sekhar, S. (2017). Psychiatry and Cinema: What Can We Learn from the Magical Screen? *Shanghai Archives of Psychiatry*, 29(5), 310-313.

Dulock, H. (1993). Research Design: Descriptive Research. *Journal of Pediatric Oncology Nursing*, 10(4), 154-157.

Enright, R. D., & The Human Development Study Group. (1996). Counseling within the forgiveness triad: On forgiving, receiving forgiveness, and self-forgiveness. *Counseling and Values*, 40, 107-146.

Feldmann, J., & Middleman, A.B. (2002). Adolescent sexuality and sexual behavior. *Current Opinion in Obstetrics and Gynecology*, 14(5), 489-93.

Kabat-Zinn, J. (1990). *Full catastrophe living: How to cope with stress, pain and illness using mindfulness meditation*. New York: Bantam Dell.

Keles, A. (2015). The Role of Films in Literature Education at Departments of German Language and Literature in Turkey. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 197, 652 - 658

Khatibi, M., & Sheikholeslami, R. (2016). Greenberger Psychosocial Maturity Model: A Brief Review. *Journal of Educational and Management Studies*, 6(2), 1-10.

- King, B. (2012). Psychological Theories of Violence. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 22, 553–571.
- Lennick, D. & Kiel, F. (2011). *Moral Intelligence*. Boston: Pearson Education.
- Mackay, R. (2003). Family resilience and good child outcomes: an overview of the research literature. *Social Policy Journal of New Zealand*, 20, 97-118.
- Mariotti, A. (2015). The effects of chronic stress on health: new insights into the molecular mechanisms of brain–body communication. *Future Science OA*, 1(3), 23-25.
- Mballo, N., Zhang, M., & Sam, N. (2017). Risk Factors for PTSD and Depression in Female Survivors of Rape. *Psychological Trauma*, 9(3), 301–308.
- Mischel, W., & Shoda, Y. (1995). A cognitive-affective system theory of personality: Reconceptualizing situations, dispositions, dynamics, and invariance in personality structure. *Psychological Review*, 102 (2), 246–268.
- Navarre, S.E. (1998). Salvador Minuchin's structural family therapy and its application to multicultural family systems. *Issues in Mental Health Nursing*, 19(6), 557-70.
- Oberst, U.E. & Stewart, A. E. (2003). *Adlerian Psychotherapy: An Advanced approach to individual psychology*. New York: Brunner- Routledge.
- Paivio, S.C. (2013). Essential processes in emotion-focused therapy. *Psychotherapy (Chic)*, 50(3), 341-345.
- Pathak, V., Jena, B., & Kalra, S. (2013). Qualitative research. *Perspectives in Clinical Research*, 4(3), 192-194.
- Penley, J., Tomaka J., & Wiebe, J. (2002). The Association of Coping to Physical and Psychological Health Outcomes: A Meta-Analytic Review. *Journal of Behavioral Medicine*, 25(6), 551-603.
- Recine, A.G., Recine, L., & Paldon, T. (2019). How People Forgive: A Systematic Review of Nurse-Authored Qualitative Research. *Journal of Holistic Nursing*, 1, 1-10.
- Rutherford, A., Zwi, A., Grove, N., & Butchart, A. (2007). Violence: a glossary. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 61(8), 676–680.
- Sareen, J. (2014). Posttraumatic Stress Disorder in Adults: Impact, Comorbidity, Risk Factors, and Treatment. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 59(9), 460–467.
- Strelan, P., & Covic, T. (2006). A review of forgiveness process models and a coping framework to guide future research. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 2(10), 1059-1085
- Telechea, J. (2007). Fama publica, infamy and defamation: judicial violence and social control of crimes against sexual morals in medieval Castile. *Journal of Medieval History*, 33, 398-413
- Thomas, P., Liu, H., & Umberson, D. (2017). Family Relationships and Well-Being. *Innov Aging*, 1(3), 25.
- Watter, D.N. (2018). Existential Issues in Sexual Medicine: The Relation Between Death Anxiety and Hypersexuality. *Sexual Medicine Reviews*, 6(1), 3-10.
- Weinberger, M., Hofstein, Y., & Krauss Whitbourne, S. (2008). Intimacy in Young Adulthood as a Predictor of Divorce in Midlife. *Personal Relationships*, 15(4), 551–557.
- Yalom, I. (1980). *Existential Psychotherapy*. New York: Basic Books.